نگاهی به فهرست شفافیت تئاتر سال ۹۹

# شفافیت برای عدم‌شفافیت

احسان زیورعالم
روزنامه‌نگار

**در سال ۱۳۹۵ با برنگ شدن موضوع شفافیت و به راه افتادن سامانه‌های شفافیت برای دستگاه‌های دولتی، هرازگاهی جداول مالی از سوی دستگاه‌های دولتی منتشر می‌شود. با این حال تئاتر در تمام این سال‌ها با مقاومت خاصی روبه‌رو بوده است. از دوره مهدی شفیعی تا پایان کار شهرام کرمی، اداره‌کل هنرهای نمایشی تعاملی به اعلام ارقام حمایتی خود نداشت و این درحالی بود که شایعات مبنی بر حمایت‌های گزاف از برخی آثار یا عدم‌حمایت از گروه‌های حاشیه زیاد بود. درنهایت قادر آشنا به محض ورود به دفتر مدیریت اقدام به انتشار فهرست‌های مالی دوران شهرام کرمی کرد تا برخی این پندار را داشته باشند، او قصد تخریب شهرام کرمی را داشته است. با این حال شواهد حاکی از آن بود که فهرست مذکور توسط شهرام کرمی تنظیم شده بود و با وجود استعفا، جداول مربوط به سال‌های ۹۷ و ۹۸ توسط خود او منتشر نمی‌شود. جداولی که جنجال برانگیز بود. از ارقام عجیب برای یک نمایش خاص تا درج کردن فروش گیشه یک نمایش در میزان حمایت همان نمایش.**

**با وجود نقصان‌های بسیار ازجمله مشخص نبودن سازوکار حمایت، عدم ارائه فرمول حمایت، عدم اعلام نام اعضای شورای حمایت، حضور نام یکی از اعضای شورای حمایت در فهرست حمایت و درنهایت فقدان جزئیات در ارقام، هیچ‌گاه مسئولان تئاتر کشور حاضر به ارائه توضیحی درباره جداول نکردند. جداولی که برای آیندگان به‌عنوان سند مالی دهه ۱۳۹۰ باقی خواهند ماند.**

**در روزهای گذشته قادر آشنا و تیم او در اداره‌کل هنرهای نمایشی تصمیم به انتشار اسناد مالی خود پیش از کنار گذاشته شدن در دولت بعدی کردند. اسنادی که متعلق به سال ۱۳۹۹ و در چند مورد محدود متعلق به معوقات سال‌های ۹۷ و ۹۸ است. با اینکه جداول نسبت به گذشته بیشتر تفکیک شده‌اند؛ اما حجم فقدان شفافیت به نحوی است که گویی این جداول برای از بین بردن شفافیت تنظیم شده‌اند. برای درک بهتر موضوع بهتر است سری به جداول بزنیم تا دریابیم چه اتفاقی برای آن رخ داده است.**

## جشنواره فجر چرا برگزار شد؟

در اوج همه‌گیری بیماری کرونا، در بهمن ۱۳۹۹ بیشتر نقادان و اهالی رسانه با برگزاری جشنواره مخالفت می‌کنند. با این حال قادر آشنا، حسین سافارآستانه را مأمور برگزاری جشنواره‌ای می‌کند که قرار بود چندان مخاطبی هم نداشته باشد. نگاه آشنا به جشنواره یک خط ساده بود: اگر جشنواره برگزار نشود پول تخصیصی تئاتر در این حوزه پرداخت نمی‌شود. این فرمول ساده‌ای است که مدیران تئاتر در تمام این سال‌ها دنبال کرده‌اند. جشنواره مفری برای کندن پول از دولت برای پرداخت معوقات است؛ با این حال جداول سال گذشته نشان می‌داد همگام با رشد تورم در کشور و بالتبع بودجه فجر، بیشتر افزایش آهنگ رشد تخصیص بودجه در دستمزد کارمندان جشنواره فجر بوده است و در مقابل پول تخصیصی برای کمک‌هزینه رشد منفی داشته است. به نحوی که به نظر می‌رسد جشنواره فجر، جشنواره‌ای است برای اعضای دبیرخانه آن که همواره پای ثابت این رویداد به حساب می‌آیند.

در فجر ۱۳۹۹ طبق جدول ارائه شده هزینه پرداختی برای تولید و کمک به گروه‌ها با رشد همراه بوده است. اگرچه بودجه فجر نزدیک به ۸۰۰ میلیون تومان نسبت به سال قبل افت کرده است؛ اما رشد کمک به گروه‌ها از ۲۴ درصد بودجه به ۳۳ درصد افزایش یافته است. اما نکته عجیب در جدول فجر افزایش سهم اختتامیه از ۹ درصد به ۱۳ درصد است. درحالی که بخش‌های جشنواره اندک شده و بخش بین‌الملل دیگر وجود نداشته است؛ اما عدم حضور مخاطبان در تالار وحدت، تئاتر فجر یکی از گران‌ترین اختتامیه‌های خود را تجربه کرده است. هزینه داوری نیز از ۳ درصد سال گذشته به ۵ درصد افزایش یافته است؛ اما در آن سو مراسم‌آرایی سهم دبیرخانه و کارمندان را کاهش داده است: از ۲۹ درصد به ۲۷ درصد بودجه جشنواره فجر.

با این حال برگزاری جشنواره تئاتر فجر ۳۹ آورده‌ای برای اداره‌کل هنرهای نمایشی نداشته است. آثار روی صحنه رفته دیده نشده‌اند و حتی یکی از کمران تبرز نمایش‌های این جشنواره («آزی دهاک») هنوز موفق به اجرا در تالاری نشده است. با نگاهی به جدول کمک‌هزینه فجر آنچه عجیب است اختصاص بودجه مناسب برای نمایش‌هایی است که پس از فجر در تالارهای تئاتر شهر روی صحنه رفته‌اند و از قبل از حضور در تئاتر شهر کمک‌هزینه دریافت کرده‌اند. نکته جالب آن است که حضور در فجر بیش از حضور در پروسه اجرای یک ماه سودآور است که این مساله هیچ‌گاه توسط متولیان تئاتر تشریح نشده است. برای مثال نمایش «ایوب‌خان» درحالی در تئاتر فجر برای اجرای محدود ۳۰ میلیون کمک‌هزینه گرفته است که برای ۳۰ شب اجرا در تئاتر شهر ۳۵ میلیون دریافت کرده است. این مهم زمانی جذاب می‌شود که بدانیم متولی هر دو مساله یکی است. ظاهر ماجرا در تخصیص بودجه نیز به نظر نمی‌رسد از فرمول خاصی تبعیت کرده باشد. برای مثال تکرار رقم ۲۰ میلیون تومان در پیوست نخست جدول نشان می‌دهد ابعاد کار در تعیین بودجه مبهم نبوده است. هرچند اداره‌کل هنرهای نمایشی هیچ توضیحی درباره تخصیصات خود نداده است. ضمن اینکه تخصیص فجر با تخصیص کمک‌هزینه اجرا چرا تشتت می‌شود. برای مثال برای نمایش «مختلفه» در تئاتر فجر رقم ۲۰ میلیون تومان پرداخت شده است؛ اما ناگهان در اجرای این نمایش در سالن شهرزاد رقمی نزدیک به ۴۰ میلیون تومان درنظر گرفته شده است. درسوی دیگر برای نمایش «کجایی ابراهیم» با همان رقم ۲۰ میلیون تومان در اجرای عمومی رقمی نزدیک به ۱۰ میلیون تومان پرداخت شده است. به عبارتی سازوکاری در تخصیص نیست و زمانی ماجرا جذاب می‌شود که متولی هر دو مساله یکی است. در فهرست منتشر شده با آنکه نمایش «سرباز» حسین پارسایی در فجر حضور داشته و بابت آن جایزه‌ای هم داده شده است؛ اما خبری از تخصیص بودجه نیست. هنوز کسی درباره متولی این نمایش شفاف‌سازی نکرده است و مشخص نیست هزینه این نمایش عظیم را چه کسی داده است.

## تماشاخانه‌ها: از اعتراض‌ها تا پول‌ها

در حمایت از استان‌ها دو شیوه مدنظر قرار گرفته شده است. نخست حمایت از انجمن‌های شهرستانی است که در سایت تهران - شامل شهرهای استان منهای تهران - مبلغ ۳۰ میلیون تومان بابت جشنواره هزینه داده شده است. مشخص نیست علت این دوبرابر بودن بودجه چیست؛ چراکه استان‌های برجسته‌تری چون فارس، خوزستان یا خراسان رضوی از این منفعت بهره‌مند نشده‌اند. به جزیره قشم یا جمعیت به مراتب کمتر از تمام استان‌های کشور، همان مبلغ ۱۵ میلیون تومان اختصاص یافته است و مشخص نیست چرا باید جزیره قشم یا چنین موهبتی رویه‌رو شده باشد. اگرچه رقم‌های مذکور در نسبت تورمی کشور شوخی‌ای بیش نیستند؛ اما مشخص است بودجه عمومی کشور در حوزه تئاتر بدون ضابطه تقسیم می‌شود.

اما در حمایت مالی از اجرا جوهست اصفاک‌تر است. درحالی که یک نمایش خیابانی در تهران می‌تواند تا ۱۵ میلیون تومان کمک‌هزینه دریافت کند، این رقم زمانی درونداک‌تر می‌شود که فعالیت هنرمند نه برمبنای میل هنری و تلاش برای خلق اثر آزادانه، که در راستای برنامه‌های تحمیلی و مناسبتی و تقویمی است. بودجه مستقیم حمایتی از آثار تنها به سه رویداد چهل‌سالگی دفاع مقدس، کرونا و آیین‌های نوروزی ختم شده است.

ایلام یا البرز به سبب برگزاری جشنواره مبلغی اختصاص نیافته است. اما در همین جدول مشخص است به استان تهران - شامل شهرهای استان منهای تهران - مبلغ ۳۰ میلیون تومان بابت جشنواره هزینه داده شده است. مشخص نیست علت این دوبرابر بودن بودجه چیست؛ چراکه استان‌های برجسته‌تری چون فارس، خوزستان یا خراسان رضوی از این منفعت بهره‌مند نشده‌اند. به جزیره قشم یا جمعیت به مراتب کمتر از تمام استان‌های کشور، همان مبلغ ۱۵ میلیون تومان اختصاص یافته است و مشخص نیست چرا باید جزیره قشم یا چنین موهبتی رویه‌رو شده باشد. اگرچه رقم‌های مذکور در نسبت تورمی کشور شوخی‌ای بیش نیستند؛ اما مشخص است بودجه عمومی کشور در حوزه تئاتر بدون ضابطه تقسیم می‌شود.

اما در حمایت مالی از اجرا جوهست اصفاک‌تر است. درحالی که یک نمایش خیابانی در تهران می‌تواند تا ۱۵ میلیون تومان کمک‌هزینه دریافت کند، این رقم زمانی درونداک‌تر می‌شود که فعالیت هنرمند نه برمبنای میل هنری و تلاش برای خلق اثر آزادانه، که در راستای برنامه‌های تحمیلی و مناسبتی و تقویمی است. بودجه مستقیم حمایتی از آثار تنها به سه رویداد چهل‌سالگی دفاع مقدس، کرونا و آیین‌های نوروزی ختم شده است.

ادامه در صفحه ۱۳



ادامه از صفحه ۱۲

## حمایت از تهران، هدف اول اداره‌کل

درحالی که رقم حمایت از کل تئاتر کشور به رقم دومیلیارد می‌رسد، دولت نزدیک به ۲۰ میلیارد هزینه آثار تهرانی کرده است. ۱۹ میلیارد و ۲۴۷ میلیون تومان برای تولید ۱۴۹ اثر هنری در تهران از سوی اداره‌کل هنرهای نمایشی پرداخت شده است. بخش مهمی از این ارقام متعلق به سالن‌های دولتی است که طبق قواعدی موردحمایت این مجموعه قرار می‌گیرد؛ اما این ارقام هم شفاف نیست.

برای مثال مرتضی شاه‌کرم، کارگردان نمایش «برونسی» که طبق جدول ۴۶ میلیون تومان دریافت کرده است، می‌گوید که این رقم تنها ۳۰ میلیون تومان بوده است و اداره‌کل هنرهای نمایشی رقم فروش گیشه خود را هم جزء حمایت از این نمایش حساب کرده است. وضعیت زمانی رفرنج‌تر می‌شود که رقم حمایت کروناپی قادر آشنا نیز با رقم مذکور خلط شده است. قرار بر آن بود دولت هزینه یک‌سوم صندلی‌های خالی اجراها را بر حسب فروش آنها بپردازد. با این حال در جداول انتشاری مشخص نیست چه میزان از این ارقام به آن بخش صندلی‌ها اختصاص دارد؛ چراکه مساله صندلی‌ها به میزان استقبال از نمایش بستگی داشته است. با توجه به عدم اطلاع‌رسانی از میزان فروش نمایش‌ها در دوسال گذشته، نمی‌شود قضاوت درباره میزان نمایش «اودیسه» با حمایت ۵۱ میلیونی به چه میزان از صندلی‌های خالی‌اش پول دریافت کرده است. البته درمورد این نمایش باید گفت مشخص نیست چه فرمولی برای حمایت از یک نمایش بازتولیدی به کار گرفته شده که از فجر چند دوره پیش و اجرا در حافظ حمایت دریافت کرده است.

درمورد نمایش «فرانکشتاین» و «گرگاس‌ها» اما ماجرا به نوعی دیگر رقم می‌خورد. درحالی ایمان افشاریان برای شکست تجاری خود رقم ۶۸ میلیون دریافت کرده است که طبق قاعده نمایش‌های سالن اصلی از حمایت دولت مبرا هستند و مشخص نیست چرا باید به این نمایش کمک مالی شده باشد. دقت داشته باشید این کمک در دوره قادر آشنا به نمایش پرداخت شده است، درحالی که نمایش در دوره شهرام کرمی روی صحنه رفته است و جزء معدود اجراهایی از سال ۹۸ است که در فهرست ۹۹ آمده است.

درمورد «گرگاس‌ها» هم وضعیت به همین منوال است؛ اما این احتمال داده می‌شود که رقم ۱۰۵ میلیون تومان محصول همان فرمول صندلی‌های خالی است. با توجه به اینکه فرمول حاوی قوانین چون صندلی فروخته‌شده، یک‌سوم صندلی و در نظر گرفتن بلیت ۳۰ هزار تومانی بودن است، رقم ۱۰۵ میلیونی دیگر معنا نمی‌دهد و به نظر می‌رسد از نمایش حمیدرضا نعیمی حمایت مالی شده است تا حمایت ناشی از کرونا. فارغ از این باید پرسید چرا اداره‌کل هنرهای نمایشی از قواعد خود ساخته خود تبعیت نمی‌کند. البته در جدول برای نمایش «فردریک» نمایشی که هیچ‌گاه رنگ اجرا ندید، بابت پیش تولید به نعیمی مبلغ ۳۰ میلیون پرداخت شده است. به عبارتی نعیمی برای اجرای خود مبلغ ۱۳۵ میلیون تومان کمک‌هزینه دریافت کرده است. هرچند مشخص نیست آیا رقم فروش نمایش از گیشه را هم همانند دیگر آثار تئاترشهر ممزوج با رقم حمایت کرده‌اند یا خیر. برای مثال از نمایش «قهوه فجری / آنیبال پیسانی» که چند شب پیش از همه گیری کرونا روی صحنه رفت، هیچ حمایتی نشده است و رقمی برای آن نمایش در جداول انتشاری وجود ندارد.

فقدان رویکرد تخصیص بودجه زمانی حاد می‌شود که در برابر اسامی مشهور رقم‌های بزرگتری دیده می‌شود و این درحالی است که نمایش‌های آنها گران‌تر یا پرفروش‌تر از دیگران نبوده است. برای مثال در تالار هنر نمایش «وبری وبری در سرزمین سلامت» حسین فدایی‌حسین، نویسنده شناخته‌شده تئاتر، کمک‌هزینه‌ای برابر با دو اجرای دیگر این سالن دریافت کرده است. همین مساله درمورد نمایش‌ها و سالن‌های دیگر هم رخ داده است.

اما فاجعه اصلی در تالار مولوی رخ داده است؛ تالاری که در ایام کرونا بیشترین بار اجرا در تهران را برعهده داشته است، از کمترین حمایت بهره‌مند شده است. نمایش‌هایی که توسط کارگردان اول‌های مولوی صحنه رفته‌اند چندان موردحمایت مالی دولت قرار نگرفته‌اند. این درحالی است که در سینما برای حمایت از فیلم اولی‌ها یک سازمان عریض و طویل با عنوان سازمان گسترش فیلم مستند و تجربی وجود دارد. تولیدات مشابه تئاتری در طول سال به مراتب بیشتر از این فیلم‌هاست؛ اما میزان حمایت از آنان به مراتب کمتر است.

تخصیص ناعادلانه بودجه در حوزه هنر زمانی بیشتر نمود پیدا می‌کند که در بخش خصوصی، درحالی که عموم نمایش‌ها با ارقام دو تا ۶ میلیون تومانی مورد حمایت قرار گرفته‌اند، یک نمایش در شهرزاد رقم ۴۸ میلیونی دریافت کرده است. «مختلفه» همان نمایشی است که در جشنواره فجر نیز ۱۰ میلیون کمک‌هزینه دریافت کرده بود.

قصه قابل تأمل آن است که دولت از نمایش‌های موردحمایت اداره‌کل برای دیگر نیز حمایت مالی کرده است. درحالی که حوزه هنری و بنیاد رودکی فتح هر دو وجود بودجه‌های تئاتری و البته صاحب سالن‌های نمایشی هستند، دولت به نمایش‌های اجراشده در این سالن‌ها نیز کمک‌هزینه داده است. اگرچه ارقام پرداختی اندک است؛ اما این پرسش مطرح می‌شود چرا باید برخی نمایش از چند کانال موردحمایت واقع شوند. یکی از نکات جالب توجه در بودجه اختصاصی، کمک‌هزینه ۱۰ میلیونی برای نمایش «زورخانه در مکتب» است که برای هزینه لباس نمایش چنین رقمی اختصاص یافته است. این نمایش در زورخانه فرخ اجراشده است و هیچ اطلاعاتی از این نمایش در فضای خبری وجود ندارد.

## کتاب‌های بی‌دردسر

بخش قابل تأمل دیگر برخی انتشارات است. این اولین بار است که هزینه انتشارات نمایش توسط اداره‌کل شفاف‌سازی می‌شود. دولت در این بخش به طور متوسط برای هر کتاب به نویسندگان برای مدت محدود رقم ۱۲ میلیون تومان پرداخت می‌کند. البته این رقم انتشاری یک ایراد بزرگ دارد. به طور مشخص معلوم نیست به هر نویسنده چه میزان کمک شده است و این میانگین از تقسیم تعداد آثار کل هزینه اختصاصی به دست آمده است. وضعیت زمانی رفرنج می‌شود که در بخش خصوصی نویسندگان و مترجمان به رقمی بالاتر از سه میلیون تومان دست نمی‌یابند. وضعیت از این هم بدتر است. بخش کتاب‌های انتشارات نمایش در سراسر کتاب چندان جالب نیست و حتی کیفیت چاپ آنها نیز مورد سؤال است. درباره کیفیت محتوایی آن نیز نقدهای بسیاری مطرح است. در سالی که کتاب حتی مترجمانی چون بهزاد قادری امتیاز کتاب‌های خود را از انتشارات نمایش سلب کرده‌اند.

اما جالب‌ترین نکته درباره انتشارات نمایش آن است که شهرام گیل‌آبادی، مدیرعامل خانه تئاتر در عرض یک‌سال، با دو کتاب از انتشارات نمایش پول دریافت کرده است. کتاب اول مجموعه نمایشنامه‌های رادیویی است که احتمالا بابتش رقم ۱۲ میلیون تومان پرداخت شده باشد. این درحالی است که این کتاب اساسا کاربرد چندانی برای عموم ندارد. دیگر کتاب گیل‌آبادی، کتابی است با موضوع ارتباطات تئاتر که بمبئیر جمع‌آوری داده‌های مختلف از منابع گوناگون است. این کتاب باب برگزاری جشنواره فجر یا حمایت ۱۰ میلیونی منتشر شده است. مشخص نیست چرا جشنواره فجر از کتاب‌های بازارش‌تری در بخش خصوصی یا نویسندگان شاخص‌تر حرفه‌ای تئاتر حمایت نکرده است.

## جمع‌بندی

به نظر می‌رسد دولت در انتشار این جداول یک هدف مشخص را دنبال کرده است. ایجاد غبار بر مفهوم شفافیت. چنین رویکردی نتیجه مشخصی در پی دارد و آن هم درگیر کردن هنرمندان باب دریافت کمک‌هزینه‌ها. هنرمندان براساس قوانین جاری درخواست مالی کرده‌اند؛ اما فقدان شفافیت در فرمول تخصیص بودجه موجب می‌شود دولت فرار رو به جلو داشته باشد و خود را از مهلکه تئاتر دهد. هنوز دولت هیچ واکنشی نسبت به این ارقام و ابهاماتش نشان نداده است و بعید است با توجه به پایان دولت کنونی، قادر آنان تا نتیجه مالی اش قضاوت از جداول خود داشته باشند. نتیجه کار چیزی جز ایجاد کینه در دل هنرمندان نیست؛ درصورتی که با شفافیت کامل می‌شد فرهنگ صادقانه‌ای در حوزه فرهنگ پدید آورد.

## یادداشت

نگاهی به فیلم سینمایی باران پولادین

# رویای اتحاد شمال و جنوب، در سینمای کره

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

دوگانه فیلم «باران پولادین» (Steel Rain) در ژانر اکشن و مهیج هستند که به کارگردانی یانگ وو-سوک ساخته شده است و سری اول آن در ۱۴ دسامبر ۲۰۱۷ در کره جنوبی به‌نمایش در آمد و در ۱۴ مارس ۲۰۱۸ در Netflix در سراسر جهان منتشر شد. این فیلم دنباله مستقلی با عنوان «باران پولادین ۲: همایش» دارد که در سال ۲۰۲۰ اکران شد و یونگ وو-سونگ و کواک دوو-وون برای ایفای نقش‌های اصلی اما این بار متفاوت از قبل بازگشتند. وو-سوک، کارگردان این محصول سینمایی فارغ‌التحصیل رشته ادبیات و فلسفه انگلیسی از دانشگاه کره است. اولین‌ها کار یکاتوریست بود و بعدها با ورود به صنعت فیلمسازی وظایفی مانند برنامه‌ریزی تولید، نظارت بر سرمایه‌گذاری و جذب کارگردان جدید را برعهده داشت.

او در سال ۲۰۰۴ فیلم «Desire» را تهیه‌کنندگی کرد اما اولین کار جدی یانگ به‌عنوان فیلمساز در اواسط ۴۰-سالگی بود؛ زمانی که او نویسندگی و کارگردانی یک درام دادگاهی به‌نام «وکیل مدافع» را انجام داد، این فیلم روایتی ساختگی از رو موهیون، رئیس‌جمهور سابق کره جنوبی بود که در دهه ۱۹۸۰ به‌عنوان نماینده حقوق بشر در بوسان فعالیت می‌کرد. فیلم وکیل مدافع در سال ۲۰۱۳ اکران شد و توانست فروش خوبی دست‌پیدا کند و عنوان هشتمین فیلم پرفروش کره‌ای در تمام دوران را کسب کرد. یانگ با لوالین فیلمش نشان داد که دوست دارد به حوزه‌های جدیدی از قصه گویی در عالم سیاست ورود کند.

البته در ابتدای کار باز تامین بودجه این مدل فیلمسازی هم با مشکلاتی مواجه بود اما خوش‌دل در این باره گفته است: «من به فیلم‌هایی علاقه‌مندم که داستان افرادی را روایت می‌کنند که هنگام برخورد با محیط‌های بیرونی به‌سختی می‌توانند به عقاید خود پایبند باشند. یانگ برای پیدا کردن این آدم‌ها راغ سیاستمداران و بوزنان در عالم سیاست رفته است. او در سال ۲۰۱۷ و در دومین گام فیلمسازی خود سراغ داستان سیاسی دیگری رفت. باران پولادین، داستان یک مامور اطلاعاتی سابق کره شمالی است که تلاش می‌کند با همکاری یک افسر ارتش امنیتی کره جنوبی، از بروز درگیری هسته‌ای در شبه‌جزیره کره پیشگیری کند. این کارگردان کره‌ای درکنار داستان آکشنی که تعریف می‌کند، نمی‌تواند میل به اتحاد دو کره جنوبی و شمالی را در فیلمش پنهان کند. استقبال از این فیلم به گونه‌ای بود که سه سال بعد سراغ ساخت سری دوم این فیلم سینمایی رفت.

### شروع دوباره

در سری دوم، فیلم با جملاتی که روی تصاویر هوایی از کره زمین، ویخش‌های شرق و جنوب شرق آسیا حک شده‌اند، آغاز می‌شود؛ «برخلاف جنگ سردی که سال ۱۹۹۱ به اتمام رسید و به‌دنبال آن اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید، شبه‌جزیره کره، فرصت ایجاد یک رژیم واحد بر مبنای صلح را از دست داد که همین باعث باقی ماندن اثرات آخرین جنگ سرد چهان شد. شاید در همین جملات ابتدایی بشود دغدغه سازندگان این فیلم و بسیاری از فیلم‌های دیگر را که طی این سال‌ها در کره جنوبی ساخته شده‌اند، فهمید. در دوران جنگ سرد آلمان به شرقی و غربی تقسیم شده بود و دیوار برلین بین آنها قرار داشت و کره به شمالی و جنوبی. هرکدام از این قسمت‌ها هم به یکی از دو ابرقدرت وابستگی داشتند اما به‌رغم اینکه با نزدیک شدن جنگ سرد به روزهای پایانی آن، دیوار برلین فروریخت، حتی ۳۰ سال پس از پایان یافتن این نبرد نفسگیر، کره همچنان دوشقه است و مردم آن سرزمین سودای یگانگی دارند. حتی فیلم‌های کاملا تفریحی و تجاری کره هم به این مساله اشاره دارند و دیگر شدن دو بخش شمالی و جنوبی شبه‌جزیره، رویای مردم آن مناطق است. نکته فرامنتی دیگری که قبل از دیدن این فیلم باید از آن اطلاع داشت، تنفری است که بین کره‌ای‌ها نسبت به ژاپن وجود دارد. آنها پس از ژاپن، دومین جایگاه تنفر را به آمریکایی‌ها اختصاص داده‌اند و در جایگاه سوم چین را قرار می‌دهند، شاید مشکل آنها با چین خیلی کمتر از دو مورد قبلی باشد و در این مورد مقداری شک و تردید، عبارت بهتری نسبت به تنفر را است.

سکانس اول فیلم هم کاملا نیاز به توضیح دارد و در این سکانس دو نفر زیردوست کره و شاوری دیده می‌شوند که یکی‌شان به دیگری یک بودنشان می‌دهد زیردوست دومی‌ان را مشاهده می‌پرونده می‌گوید آیا جرات کرده‌اید که علیه چین جنگ راه بیندازید؟ زیردوست اول که پرونده را داده بود پاسخ می‌دهد ما تا وقتی افراد کرگی چین می‌توانند علیه اتحاد آمریکا و ژاپن بپروز شود؟ سپس زیردوست دوم پرونده‌ای را که به او نشان داده شده بود، ورق می‌زند و با تعجب می‌پرسد چرا این را به من نشان می‌دهی؟ (یعنی چرا چنین چیزی را فاش می‌کنی؟) زیردوست اول و دوم پاسخ می‌دهد برای اینکه یک حق انتخاب به شما پیشنهاد کرده باشم. کاگه‌موشا را روی سن کاهوکا کنیم یا روی ناکه‌شیما؟

مشخص است که مخاطبان ایرانی و به‌طور کلی مخاطبانی خارج از منطقه جنوب شرق آسیا به هیچ‌وجه از این سکانس سر در نخواهند آورد؛ کاگه‌موشا در ژاپن نوعی تاکتیک سیاسی است که به منطور حفاظت از پادشاه و اهالی به کار می‌رود. زیردوست اول که پرونده را به نفر دوم داده بود، زیرک‌ترین گروه‌های کره‌ای امپراتوری است و تندرو در ژاپن است که نفوذ قابل توجهی در حکومت

این کشور دارد و نفر دوم و زیر امنیت خارجی چین است. شخصیت ژاپنی در اینجا به وزیر چینی می‌گوید که باید بین دو مورد انتخاب کنی یا با ما آمریکا متحد می‌شوی یا کاگه‌موشا را علیه چین به کار می‌بریم؛ چین باید خودش را کنار بکشد و اجازه بدهد که ژاپن به کره حمله کند؛ یعنی کاگه‌موشا از نوع دوم اجرا شود. نام این شخصیت ژاپنی شینزو موری است؛ مدیر بنیاد یاماتو یک سازمان بانفوذ و فراملی گرای ژاپنی با روابط قوی در دولت ژاپن. او یکجا در میانه‌های فیلم، وقتی که لباس سنتی ژاپن را پوشیده و با کس دیگری حرف می‌زند، مواضعش را بیشتر روشن می‌کند و می‌گوید راه رویای روی ژاپن برای فتوحات آن و بازگشتش به دوران شکوه و اقتداری که داشت، همیشه از اشغال کره‌ای گرامی گذرد. حالا از یک طرف قرار است مانوری دریایی بین ژاپن و ایالات متحده برگزار شود و به‌نوعی دسیسه گرانه، کره جنوبی هم به این مانور به‌عنوان ضلع سوم دعوت می‌شود. این درحالی است که مذاکرات بین آمریکا و کره شمالی در آستانه برگزار شدن است و شرکت کره جنوبی در این مانور، می‌تواند سرانجام چنین مذاکراتی را به خطر بیندازد. ظاهرا ژاپنی‌ها هم این را می‌خواهند، یعنی قصد تحریک کره شمالی را دارند. آنها مبلغ زیادی را به یک کره پیشگیری کند. این کارگردان کره‌ای درکنار داستان آکشنی که تعریف می‌کند، نمی‌تواند میل به اتحاد دو کره جنوبی و شمالی را در فیلمش پنهان کند. استقبال از این فیلم به گونه‌ای بود که سه سال بعد سراغ ساخت سری دوم این فیلم سینمایی رفت.

### شروع دوباره

البته نکته اصلی اینجاست که این بود را ژاپنی‌ها به دروغ از طرف چینی‌ها برای آن افسران بلندپایه ارسال می‌کنند و گویا به افرادی طرف نیستیم که برای پول حاضر باشند هر کاری انجام بدهند. آنها تصور می‌کنند که چین به عنوان بزرگ‌ترین رقیب آنان کمک کرده تا بتوانند کره شمالی را در برابر امپریالیسم آمریکا و زیاده‌خواهی ژاپنی‌ها نقویت کنند. درخواستی که در برابر این پول از افسران کوتاچی شده، این است که با یک زیردریایی و توسط یک آژدر به بندری در ژاپن شلیک کنند و تندروهای ژاپن همین رامی خواهند تا بهانه‌ای برای شروع جنگ داشته باشند. ژاپنی‌ها نمی‌دانند که افسران کوتاچی قصد دارند این حمله را نه با یک آژدر معمولی، بلکه با بمب اتم انجام بدهند. هان، رئیس‌جمهور کره جنوبی شرکت در مانور سه‌جانبه با آمریکا و ژاپن را نمی‌پذیرد اما در مذاکرات صلحی که بین کره شمالی و آمریکا برقرار می‌شود، حضور دارد. مذاکرات اصلاح‌طلب پیش نمی‌روند و در آستانه شکست مطلق هستند که کوتاچی‌ها هر سه شخصیت، یعنی روسای جمهور آمریکا و کره جنوبی و رهبر کره شمالی را دستگیر می‌کنند و به زیردریایی اتمی می‌برند. زیردریایی به‌سمت محل شلیک حرکت می‌کند و این سه شخصیت سیاسی که هر سه گروگان هستند، به ناچار کنار هم قرار می‌گیرند و مجبور به گفت‌وگو می‌شوند.

داستان در ادامه پیچیدگی‌های بیشتری هم پیدا می‌کند و البته لحظه‌های کمیک و اکشن فراوانی هم دارد. گذشته از اینکه معمای قبلی فیلم چطور حل خواهد شد، چند نکته قابل توجه در آن وجود دارد؛ اولین نکته حقی است که فیلمساز کره جنوبی، به حکومت کره شمالی برای داشتن بمب اتم می‌دهد. در جریان مذاکرات، رهبر کره شمالی به رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید بدون یک توافق دیپلماتیک شاید نمی‌توانید سلاح هسته‌ای ما را از بین ببرید. رئیس‌جمهور آمریکا به شکل دیپلماتیک پاسخ می‌دهد اگر من دست خالی به خانه برگردم، به نظرت چه کسی باید جواب اعتراضات مردم را بدهد؟ آن شخص من نیستم، شما هستید. (یعنی کسی این مذاکرات، بیشتر به ضرر مردم گرسنه کره شمالی است، نه مردم آمریکا.) ظاهرا آمریکایی‌ها می‌خواهند که ابتدا کره شمالی تمام بمب‌هایش را از بین ببرد و بعد وارد مرحله عمل به تعهدات بشوند که در این زمینه هم حاضر به دادن هیچ تضمینی نیستند و بعید نیست که بعد از نابودی بمب‌ها، بهانه‌های جدیدی بتراشند. سپس رهبر کره شمالی با عصبانیت تمام به رئیس‌جمهور آمریکا که به شکلی واضح از روی شخصیت دونالد ترامپ الگوبرداری شده، می‌گوید ۳۰ سال پیش کره جنوبی می‌خواست با شوروی و چین متحد شود. ما غرورمان را کنار گذاشتیم و طرف آمریکا را گرفتیم، ولی شما را نادیده گرفتند و گفتند که ما یک دولت بازنده‌ایم. به خاطر همین ما سلاح هسته‌ای را انتخاب کردیم و فقط به وسیله اینها توجه شما به ما جلب می‌شد. ۳۰ سال طول کشید که با ما سر بر مذاکره بنشینید، در ازای اینکه شما را چیزی را بدهیم، آیا واگذار خواهید کرد. حالا اعلام کردن آن خواسته خیلی زیادی است؟

طرف آمریکایی در اینجا از طرف کره‌ای می‌خواهد بدون اینکه هیچ تعهدی دریافت کند، تمام سلاح‌های هسته‌ای اش را واگذار کند و او را به تحریم‌های گمرکشی که مردم گرسنه را عاصی کرده را رحم می‌دهد. خیلی که رهبر کره شمالی می‌گوید در ازای امضای شما چیزی را به ۳۰ سال برای ساختن زحمت کشیده‌ایم، واگذار خواهیم کرد و سپس می‌پرسد حالا آیا امضا کردن آن خواسته خیلی زیادی است، به بدعهدی همیشگی آمریکایی‌ها اشاره می‌کند و فیلم موفقیتی را ترسیم می‌کند که در آن به کره‌ای‌ها برای داشتن بمب هسته‌ای حق داده می‌شود. به عبارتی نه در این فیلم و نه در هیچ فیلم دیگری از کره جنوبی، کاملا با این ایده مواجه نمی‌شویم که کره شمالی باید بمب‌های هسته‌ای اش را از بین ببرد و در عین حال طرف صلح است.

سازمان آگهی‌های روزنامه فرهیختگان
Advertisement`s Organization
تلفن: ۱۸-۶۶۳۴۸۰۲۶-۶۶۳۴۸۰۱۶ (۰۲۱)
تلکس: ۶۶۳۴۸۰۱۷ (۰۲۱)
تماس با ما:
ایمیل: a66348018@gmail.com

شهرداری اردبیل

آگهی مناقصه یک مرحله‌ای (تجدیدی) ۵۸۰۷۲۸/۱۰۱
۱۴۰۰/۰۵/۰۶

**شهرداری اردبیل** در نظر دارد مناقصه به شرح جدول ذیل را برگزار نماید و کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

| ردیف | عنوان پروژه | مبلغ برآورد اولیه (ریال) | مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال) | مدت اجرا | کد ثبت در سامانه ستاد ایران |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | احداث فاز یک محوطه نمایشگاه گل و گیاه شهرداری اردبیل | ۱۳/۷۸۲/۴۴۰/۹۹۱ | ۶۹۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۶ ماه | ۲۰۰۰۰۰۵۳۱۵۰۰۰۰۴۱ |

**۱. محل تامین اعتبار:** درآمد داخلی شهرداری **۲.** مناقصه‌گران واجد شرایط می‌توانند اسناد مناقصه را از تاریخ انتشار آگهی در سامانه ستاد ایران به مدت ۵ روز از طریق سامانه ستاد ایران به آدرس www.setadiran.ir خریداری کنند. مبلغ واریز شده غیرقابل برگشت است و اطلاعات تکمیلی مناقصه فوق از طریق وب‌سایت پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات کشور به آدرس http://iets.mporg.ir قابل دسترسی می‌باشد. **۳. مبلغ سپرده